

مفهوم بی‌نهایت چیست؟ آیا انسان موجود بی‌نهایت طلایی است؟

مفهوم بی‌نهایت و نامحدود یعنی چه؟

در فرهنگ نوشتاری ما واژه بی‌نهایت با واژه‌های مختلفی مثل بی‌اندازه، بی‌کران، نامتناهی، لایتناهی و لایزال نزدیک است، که البته کاربرد هر یک از این واژه‌ها به زمینه و حوزه گفتار بستگی دارد. ما در فرهنگ گفتاری خودمان از لغت بی‌نهایت بیشتر به عنوان قیدی استفاده می‌کنیم تا بر بزرگی چیزی تأکید کنیم؛ مثلاً می‌گوییم «فلانی بی‌نهایت پول دار است» یا «بی‌نهایت دوست دارم». ولی در بیشتر این موارد، ما اندازه چیز مورد نظر خود را درست نمی‌دانیم، ولی می‌دانیم که خیلی زیاد یا بزرگ است و به همین دلیل برای آن نهایی نمی‌بینیم. ولی آیا واقعاً استفاده از لغت بی‌نهایت با این معنا درست است؟ علی‌رغم اینکه مفهوم بی‌نهایت به مدت بیش از ۲۰۰۰ سال وجود داشته، اما همواره به صورت یک ایده مبهم و گاهی اوقات چالش‌برانگیز برای ریاضیدانان، فیزیکدانان و فیلسوفان مطرح بوده است. به راستی مفهوم بی‌نهایت چیست؟ آیا موجود بی‌نهایت واقعاً وجود دارد، یا فقط بخشی از تار و پود تخیلات ماست؟

مفهوم بی‌نهایت از واژه لاتین *finites* به معنی محدود گرفته شده و به معنای چیزی است که «محدود» نیست و در آن هیچ محدودیت فضایی و زمانی وجود ندارد. این کلمه در ریاضیات، مترادف کلمه نامحدود است و معمولاً با نماد ∞ و به معنای «فراتر از هر مقدار» به کار می‌رود. از لحاظ علم ریاضی هنوز تعبیر و تفسیر صحیحی از بی‌نهایت در دست نیست؛ به عبارتی نمی‌توان عددی خاص را برای آن در نظر گرفت، شما هر عددی را که مثال بزنید، باز می‌توانید به عددی بزرگتر از آن نیز اشاره کنید؛ اما به این نکته می‌بایست اشاره کرد که بی‌نهایت به عنوان یک عدد آن قدر بزرگ است که دیگر قادر به مشخص کردن آن نیستیم و به ناچار برای بیان آن از این واژه کمک می‌گیریم. وقتی بچه‌ها با اعداد آشنا می‌شوند، غالباً کنجکاو هستند، که بدانند بزرگترین عدد چیست، و معمولاً به بزرگترین عددی که نام آن را می‌دانند، مثلاً صد، هزار، یا

میلیون، بسنده می‌کنند. ولی خیلی از آن‌ها فوراً به این نتیجه می‌رسند که هیچ عددی نیست که از بقیه بزرگتر باشد؛ چون با اضافه کردن عدد 1 به هر عدد، ما عددی را خواهیم داشت که از عدد قبلی بزرگتر است.

مفهوم بی‌نهایت در فیزیک، تعریف دقیقی ندارد و در مسائل مختلف دارای معانی متفاوتی است؛ به عنوان مثال، دو اتو با درجه حرارت‌های متفاوت را در نظر بگیرید. فاصله‌ای که در آن دیگر اصلاً گرمای اتو را احساس نکنیم، برای این دو اتو متفاوت است، به عبارت دیگر، بی‌نهایت برای این دو اتو تفاوت دارد.

همان‌طور که می‌بینید، مفهوم بی‌نهایت در فیزیک، معنا و مفهوم دیگری را نسبت به ریاضیات بیان می‌کند. منظور از واژه بی‌نهایت در فیزیک تعریف نشده و یا نامشخص است، اما در ریاضیات زمانی که از بی‌نهایت استفاده می‌شود، منظور عددی بسیار بزرگ است که قادر به اندازه‌گیری آن نیستیم. تصویر بی‌نهایت از دیدگاه ریاضیات یا فیزیک، با تصور ذهنی آن در قالب حیات، جهان یا حتی عشق متفاوت است. از دیدگاه اکثریت، مفهوم بی‌نهایت به آسانی قابل درک است، اما نمی‌توان «عظمت» یا «بی‌پایان» بودن آن را بیان کرد. بی‌نهایت مانند مفاهیمی مثل عشق چیزی را نشان می‌دهد که غیرملموس است و هر انسانی آن را به شکلی مخصوص به خود برداشت می‌کند. با این اوصاف آیا می‌توانیم مفهوم درستی از واژه بی‌نهایت را در ذهنمان تجسم کنیم؟

در این مقاله ابتدا درباره بی‌نهایت طلب بودن انسان صحبت می‌کنیم و سپس اثبات خواهیم کرد که بی‌نهایت در فلسفه اسلامی، آن چیزی نیست که در ریاضیات یا علوم دیگر به عنوان یک نماد یا مفهوم اعتباری از آن استفاده می‌کنند؛ بلکه وجودی با تعریفی مشخص و عظمتی وصف ناشدنی است.

انسان به طور فطری موجودی بی‌نهایت طلب است

همه ما می‌دانیم که خواسته‌های انسان تمامی ندارد؛ هر چه به ما بدهند، باز بهتر و بیشترش را می‌خواهیم، گاهی تا سرحد جان‌کندن برای دست یافتن به مطلوب خود پیش می‌رویم، اما زمانی که آن مطلوب در اختیارمان قرار می‌گیرد، متوجه

می‌شویم که خواسته ما بیش از این بوده و این، همان چیزی نیست که می‌خواهیم. ما به دنبال هر ایده‌ای که باشیم، حس بی‌نهایت طلبی مان در همان مطلوب رخ می‌نماید؛ برای مثال کسی که صاحب مال است، هر چه بیشتر به دنبال ثروت‌اندوزی می‌رود، آن را برای خود کافی نمی‌داند یا کسی که قدرت دارد، همیشه در پی کسب قدرت بیشتر است؛ حتی اگر کره ماه را افزون بر کل زمین تسخیر کند، باز هم کم است و به سراغ مریخ می‌رود و در طمع دست یافتن به کره دیگری است.

به عبارتی، خواسته‌ها و آرزوهای ما حد و اندازه‌ای ندارد، ما ذاتاً عاشق بی‌نهایتیم و امور ناپایدار، گذرا و محدود نمی‌توانند وجود مطلق‌گرا و بی‌نهایت طلب ما را قانع کنند. ما از ضعف، ناتوانی، محدودیت و جواب منفی شنیدن بیزاریم و هر چیزی از جمله قدرت، ثروت، حیات، آسایش، علم و زیبایی را در حد بی‌نهایت و مطلق آن می‌خواهیم؛ به عنوان مثال، اگر پول را می‌خواهیم، به این دلیل است که پول را منشأ قدرت می‌دانیم و می‌خواهیم ضعف‌ها و محرومیت‌های خود را به وسیله آن برطرف کنیم. بسیاری از جنگ‌ها و کشتارها ناشی از بی‌نهایت طلبی ما انسان‌ها و مبارزه دائمی ما با محدودیت بوده است. هیچ کس در این کره خاکی پیدا نمی‌شود، که با وضعیت محدود دنیا کنار بیاید. اینکه انسان یک موجود بی‌نهایت طلب است، نیاز به اثبات ندارد؛ هرکدام از ما با سیر در درون خود این حقیقت را شهود می‌کنیم.

اکنون که با مفهوم بی‌نهایت تا اندازه‌ای آشنا شدیم و دانستیم ذات ما به‌گونه‌ای طراحی شده که تمایل داریم همه کمالات اعم از ثروت، زیبایی، قدرت، علم و حیات جاودانه را به صورت بی‌نهایت و یک جا در خود داشته باشیم، این سؤال پیش می‌آید که آیا می‌توان تمام کمالات را به صورت یک جا و بی‌نهایت کسب کرد؟ یا به عبارتی می‌توان مفهوم بی‌نهایت را به دست آورد؟ برای اینکه به پاسخ این سؤال برسیم، لازم است ابتدا در مورد طلب و اصول مربوط به آن چیزهایی را بدانیم.

اصول پنج‌گانه طلب

طلب یک امر خیالی نیست، بلکه حقیقتی انکار ناپذیر است. طلب‌ها و آرزوهای ما با مفهوم بی‌نهایت گره خورده است. هیچ انسانی در روی زمین پیدا نمی‌شود، که مطلوب، معشوق، محبوب یا آرزو نداشته باشد. اگر از هر یک از ما سؤال شود که معشوق یا آرزوی تو چیست، حتماً یکی از کمالات جمادی، گیاهی، حیوانی، عقلی یا فوق عقلی را نام خواهیم برد.

همه ما بدون استثناء عاشق کمال مطلق و مطلق کمال هستیم و هیچ کس نمی‌تواند انکار کند، که طالب مطلق کمال است و محدود او را راضی نمی‌کند. هر چیزی که توسط ما طلب یا خواسته می‌شود، از این اصول کلی تبعیت می‌کند:

● طلب هر چیزی، دلیل وجود آن است؛ چون به طور طبیعی چیزی که وجود ندارد، طلبیده نمی‌شود و طلب معدوم محال است. اگر ما تشنگی را در وجودمان احساس کرده و آب را طلب می‌کنیم، نشان‌دهنده آن است که چیزی به عنوان آب برای رفع تشنگی در جهان طبیعت وجود دارد.

● طلب هر چیزی، نشان‌دهنده سنخیت با آن چیز است، برای مثال ساختار چشم ما به گونه‌ای طراحی شده که با نور هماهنگ و هم‌سنخ است و در نتیجه چشم برای دیدن، نیازمند نور است.

● طلب هر چیزی، نشان‌دهنده نوعی آگاهی و شناخت نسبت به آن است. امکان ندارد ما طالب چیزی باشیم که برایمان ناشناخته و مجهول بوده است؛ مثلاً ما هیچ وقت میوه‌ای را که تا به حال ندیده و چیزی درباره آن نشنیده‌ایم، طلب یا هوس نمی‌کنیم.

● طلب هر چیزی نشان‌دهنده بهره‌برداری قبلی از آن است؛ چشیدن طعم نوعی میوه، سبب می‌شود که در آینده باز هم میل به خوردن آن داشته باشیم، اما میوه‌ای را که قبلاً نخورده‌ایم، هرگز طلب نمی‌کنیم.

● طلب هر چیزی نشان‌دهنده فقر نسبت به آن و داشتن ظرفیت برای کسب آن است. ما هرگز چیزی را که در اختیار داریم، طلب نمی‌کنیم؛ به عنوان مثال کسی که باسواد است، دیگر طالب آموختن الفبا نیست؛ همین‌طور انسانی که سیر شده، غذا نمی‌طلبد، چرا که ظرفیت او تکمیل شده است.

ویژگی‌های موجود بی‌نهایت

با توجه به اصول طلب و با علم به اینکه انسان موجودی بی‌نهایت طلب است، می‌توان نتیجه گرفت که آن موجود بی‌نهایت و مطلق که معنا و مفهوم بی‌نهایت و مطلوب و معشوق همه انسان‌هاست:

- حتماً وجود دارد.
- آن را می‌شناسیم.
- با آن سنخیت داریم.
- قبلاً از آن استفاده کرده‌ایم.
- و در وجود خود ظرفیت استفاده از آن را داریم.

با توجه به آنچه گفته شد، نتیجه می‌گیریم که آن موجود بی‌نهایتی که مطلوب انسان است، وجودی حقیقی دارد. انسان نیز موجودی است که پیش از این بی‌نهایت بوده، طعم و مفهوم بی‌نهایت را چشیده است و حالا موقتاً در تنگنای این دنیا قرار گرفته و بعد از طی مسیر به جایگاه اصلی خودش باز خواهد گشت. مسلماً کسی که قبلاً طعم بی‌نهایت را چشیده، نمی‌تواند با محدودیت‌های دنیای مادی کنار بیاید. همه ما به اندازه بی‌نهایت، استعداد و ظرفیت جذب کمالات را داریم. اکنون می‌خواهیم درباره خصوصیات ذاتی این موجود بی‌نهایت بیشتر بدانیم:

موجود بی‌نهایت فقط یکی است

موجود بی‌نهایت از نظر عقلی و ریاضی نمی‌تواند، بیشتر از یکی باشد؛ چون اگر ما دو بی‌نهایت را در کنار هم تصور کنیم، با آمدن بی‌نهایت دوم باید برای بی‌نهایت اول حد و مرز قائل شویم و این اصلاً با مفهوم بی‌نهایت سازگار نیست؛ بنابراین ما نمی‌توانیم برای هر کمالی یک بی‌نهایت قائل شویم، مثلاً بگوییم؛ بی‌نهایت علم، بی‌نهایت قدرت یا بی‌نهایت زیبایی؛ چون کلمه بی‌نهایت محدودیت بردار نیست. بی‌نهایت یعنی چیزی که حد و مرزی ندارد. هیچ علم و قانونی نمی‌تواند دو تا بودن

موجود بی‌نهایت را ثابت کند؛ چون فرض مسئله غلط است و حضور بی‌نهایت دوم، باعث می‌شود، بی‌نهایت بودن بی‌نهایت اول از بین برود. به عبارت دیگر وقتی دو بی‌نهایت وجود داشته باشند، فاصله بین این دو، یا عدم است یا وجود. در درس‌های گذشته ثابت کردیم که عدم وجود ندارد؛ در نتیجه با محاسبه دو بی‌نهایت و وجود بین آنها مجموعاً سه وجود بی‌نهایت خواهیم داشت. حالا باز هم فاصله بین این سه وجود یا عدم است یا وجود، عدم که نیست؛ در نتیجه پنج وجود ایجاد می‌شود و همین‌طور تا بی‌نهایت ادامه خواهد یافت.

شناخت موجود بی‌نهایت با استفاده از سیر شهودی، درونی و معرفتی امکان‌پذیر است. امکان ندارد وجود چند تکه شود، اما جلوه‌های مختلف وجود می‌تواند در اشکال گوناگون وجود داشته باشند؛ به عنوان مثال، انسان و میز دو جلوه گوناگون از وجود هستند، زمانی که فرد پشت میز می‌نشیند، جلوه دیگری از وجود به نام هوا در میان آن‌ها حضور دارد. در این مثال، وجود یک‌پارچه است و فقط به صورت‌های مختلف انسان، میز و هوا جلوه‌گر شده است؛ در نتیجه آن موجود بی‌نهایتی که مطلوب همه انسان‌هاست، تمام کمالات را به صورت یک جا و مطلق در وجود خود دارد و هیچ کمالی خارج از وجود او نیست. به عبارتی، موجود بی‌نهایت جزء ندارد؛ بلکه یگانه و مطلق است.

موجود بی‌نهایت ازلی و ابدی است

اگر بگوییم موجود بی‌نهایت از زمانی خاص یا در مکانی خاص به وجود آمده و تا زمان یا مکانی معلوم ادامه دارد، باز هم برایش حد و مرز تعیین کرده‌ایم و این با مفهوم بی‌نهایت بودن سازگار نیست. امکان ندارد که بی‌نهایت محدود باشد؛ چون در این صورت باید چیزی خارج از وجود خودش، او را محدود کند، یعنی عدم و نیستی با حضور خود بی‌نهایت را محدود کند، همان‌طور که گفتیم عدم امری اعتباری است و وجود خارجی ندارد؛ در نتیجه هیچ چیزی وجود ندارد که قادر باشد، برای موجود بی‌نهایت حد و مرز مشخص کند. بی‌نهایت نه اول دارد و نه آخر؛ بلکه وجودی ازلی و ابدی است.

موجود بی‌نهایت منشأ وجود عالم هستی

موجود بی‌نهایت یک وجود یک‌پارچه و غیر قابل تفکیک است، که همه کمالات را با هم دارد؛ بنابراین خارج از خودش کمالی را دریافت نمی‌کند؛ چون همه کمالات در وجود خود او موجود هستند. امکان ندارد موجود بی‌نهایت به چیزی نیاز پیدا کند؛ چون در این صورت آن چیز یا خود او است یا غیر او، اگر خود او باشد که دیگر طلبی وجود نخواهد داشت و اگر نیاز او به چیزی غیر از خودش باشد، با بی‌نهایت بودن او منافات دارد؛ در نتیجه چیزی در عالم جز وجود بی‌نهایت نامحدود وجود ندارد و هر چه که هست از اوست.

نام موجود بی‌نهایت چیست؟

با توجه به آنچه گفته شد، ما از بررسی ویژگی‌های وجودی خودمان به وجود موجود بی‌نهایت و نامحدودی پی بردیم که منشأ تمام کمالات و سرچشمه تمام آرزوهاست. موجودی که وجود داشتنش غیرقابل انکار است؛ چون علاوه بر اینکه وجود او را در درون خودمان شهود می‌کنیم، طالب و عاشق او هستیم. این موجود بی‌نهایت به اعتبارهای مختلف، اسم‌ها و ظهورهای گوناگون دارد:

__ از آن جهت که یک حقیقت مطلق است و ما نمی‌توانیم احاطه‌ای بر آن داشته باشیم، به او «هُوَ» می‌گویند.

__ از آن جهت که دارای جمیع کمالات است، به او «الله» می‌گویند.

__ از آن جهت که همه ما عاشق و خواهان رسیدن به کمالات او هستیم؛ «اله» گفته می‌شود.

__ از آن جهت که یکتاست، «احد» است.

__ از آن جهت که مطلق کمال است و خارج از او چیزی وجود ندارد، که مطلوب او باشد و هر چه هست خود اوست، به او

«صمد» گفته می‌شود.

__ از آن جهت که موجود بی‌نهایت است، سابقهٔ عدم ندارد، خارج از خودش رابطهٔ تولیدی با هیچ موجودی ندارد و اگر مخلوقی هست، تماماً ظهور و جلوهٔ خودش است، «لم یلد» است.

__ از آن جهت که این موجود بی‌نهایت ازلی است، از جایی نیامده و کسی او را به وجود نیاورده است، «و لم یولد» است.

__ از آن جهت که این موجود بی‌نهایت احد، یک‌پارچه و بسیط است، مخلوقات او جلوه‌های او هستند و با او قابل مقایسه نیستند، «و لم یکن له کفو احد» است.

به این ترتیب با بررسی مفهوم بی‌نهایت تمام آیات سورهٔ توحید را از نفس خود استخراج کردیم. اکنون ثابت شد آن موجود بی‌نهایتی که مطلوب و معشوق ماست، همان ذات یکتا و نامحدود الله است؛ بنابراین می‌توانیم بگوییم که خود ما نیز بی‌نهایت هستیم که بی‌نهایت را می‌طلبیم؛ چون موجود محدود نمی‌تواند بی‌نهایت را طلب کند و حتماً برای طلب کردن بی‌نهایت باید ظرفیت نامحدود پذیرش او را داشته باشیم.

در اینجا ممکن است این سؤال برایتان پیش آید که اگر «الله» همان موجود بی‌نهایت و هستی مطلق باشد، پس ما و دیگر پدیده‌های عالم چه هستیم؟ مسلماً اگر ما و دیگر موجودات عالم به عنوان وجودی غیر او در کنارش قرار بگیریم، از نظر عقلی محال است؛ چون همان‌طور که گفتیم بی‌نهایت نمی‌تواند دو تا باشد؛ از طرف دیگر اگر هم خود آن وجود بی‌نهایت باشیم، یعنی کمال مطلقیم، که قطعاً این حالت هم غیر ممکن است؛ چون در این صورت دیگر طلب و آرزو برایمان معنا ندارد.

بنابراین ما و تمام آن‌چه در عالم می‌بینیم، تجلی ذات او هستیم و از خود وجود مستقلی نداریم. تمام انسان‌ها از آنجا که عاشق بی‌نهایت و کمال مطلق هستند، چه خودشان بدانند و چه ندانند، در واقع عاشق و طالب رسیدن به الله هستند. الله با همهٔ ذات خود در همه جا حضور دارد. هیچ چیز یا هیچ جایی خالی از این موجود بی‌نهایت نیست. او با تمام اسماء و صفاتش همه جا را پر کرده است.

در این مقاله در مورد معنا و مفهوم بی‌نهایت و وجود موجود بی‌نهایت حقیقی صحبت کردیم و گفتیم برخلاف علوم مختلف که مفهوم بی‌نهایت را صرفاً به عنوان یک مصوبه یا اعتبار می‌شناسند و از آن استفاده می‌کنند، در فلسفه اسلامی موجود بی‌نهایت یعنی همه چیز و اصلاً چیز دیگری بیرون از وجود او وجود ندارد؛ همه ما به طور ذاتی طالب و عاشق موجود بی‌نهایت و خواستار رسیدن به کمال مطلق هستیم و این وجود بی‌نهایت همان ذات یگانه و مطلق الله است. خوشحال می‌شویم نظرات و سؤالات خودتان را درباره این مقاله با ما در میان بگذارید.